



Analysis of Ethnographic Perspectives on Women's Sports

Masoumeh Goudarzi	PhD Student in Sport Sociology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Tayyebeh Sadat Zargar	Assistant Professor, Department of Sport Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Bahram Ghademi	Assistant Professor, Department of Sport Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Hassan Ghasemalipour	Assistant Professor, Department of Sport Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of this research is to analyze the ethnographic views on women's sports. The current research is practical in terms of purpose and in terms of data collection, qualitative and grounded theory methods. Using semi-structured interviews, the research investigated the factors of the analysis of ethnographic views in the field of women's sports, and the factors obtained in the form of indicators and categories under the categories of the conceptual model of the grounded theory approach, namely; Causal factors, intervening factors, contextual factors, strategies and consequences are placed. The statistical population of the research is experts, university professors, coaches, athletes and officials working in the field of sociology of women's sports. The sampling method in this research is purposeful and snowball sampling. Sampling continued until theoretical saturation. The number of sample people is 20 people. The research tool was semi-structured interviews, in order to check the validity of the data, the three-way method was also used. The results show that there are generally about 124 indicators related to gender discrimination and limitations in women's sports, which are in the form of "management problems", "modeling and knowledge management", "political factors", "planning and Sports policies", "structural-executive factors", "gender and personality factors", "social culture and values", "religion and religious beliefs", "financial issues" and also "formal and informal institutions" were classified. These categories were also classified under the main categories derived from the grounded theory approach.

Key words: Women's sports, ethnography, women's sports.

¹ Corresponding Author: E-mail: zargar_ta@yahoo.com

Extended Abstract

Introduction:

The purpose of this applied research was to conduct an ethnographic analysis of expert views on the current state of women's sports, with the goal of identifying core obstacles and proposing practical strategies for advancement. While global women's sports have undergone a significant revolution in recent decades, their development in certain societal contexts, particularly countries like the Islamic Republic of Iran, is challenged by persistent structural, financial, cultural, and social limitations. The study is predicated on the understanding that women's sports are an essential factor in a nation's overall socio-economic development.

Methodology:

The research adopted a qualitative approach, grounded in the philosophical tradition of Interpretivism, and utilized a Grounded Theory methodology supplemented by ethnographic methods. The statistical population consisted of 20 subject-matter experts, including university professors, coaches, athletes, and officials in the field of women's sports sociology. Sampling was conducted using a purposeful and snowball technique, continuing until theoretical saturation was achieved. Data was collected through semi-structured interviews, and the validity of the findings was ensured through triangulation. The data analysis resulted in the classification of identified factors into the main categories of the Grounded Theory model: Causal, Intervening, and Contextual factors, leading to Strategies and Consequences.

Findings:

The study identified approximately 124 indicators related to gender discrimination and inequalities in women's sports. These indicators were categorized into ten main themes with the core Causal **Factors** being "Management Problems," "Structural-Executive Factors," and "Financial Issues." Specific management problems highlighted the critical over-representation of men in key managerial positions for women's sports and the appointment of non-sporting, politically-affiliated women lacking the necessary managerial competencies. A key Structural-Executive Factor was the "lack of proper supervision and enforcement guarantee for specific laws" regarding women's sports.

Discussion and Conclusion:

The results strongly suggest that focusing attention on women's sports will generate significant Consequences for society, leading to improved overall public health, increased social acceptance, and enhanced socialization of women. These positive outcomes include the reduction of social problems, increased income generation, and the consolidation of women's standing in society. To drive this progress, the paper proposes strategic solutions, including the mandatory development of managerial and general skills in female leaders, increasing the utilization of women in senior sports management roles, and a strong emphasis on "Talent Scouting and Moeeli" by establishing sports festivals and promoting local, value-based female athletic role models.



تحلیل دیدگاه‌های قوم‌نگاران در زمینه ورزش بانوان

معصومه گودرزی	دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
طیبه سادات زرگر	استادیار گروه مدیریت ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
بهرام قدیمی	دانشیار جامعه‌شناسی ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
حسن قاسمعلیپور	استادیار گروه مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تحلیل دیدگاه‌های قوم‌نگاران در زمینه ورزش بانوان می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از روش کیفی و روش گراند تئوری می‌باشد. تحقیق با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته به بررسی عوامل تحلیل دیدگاه‌های قوم‌نگاران در زمینه ورزش بانوان پرداخته و عوامل بدست آمده به صورت شاخص‌ها و مقولاتی در ذیل مقولات مدل مفهومی رویکرد گراند تئوری یعنی؛ عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش خبرگان، اساتید دانشگاهی، مربیان، ورزشکاران و مسئولین شاغل در حوزه جامعه‌شناسی ورزش بانوان می‌باشند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی می‌باشد. نمونه‌گیری تا اشباع نظری ادامه یافت. تعداد افراد نمونه ۲۰ نفر می‌باشد. ابزار پژوهش مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود که به منظور بررسی اعتبار داده‌ها نیز از روش سه سوسازی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بطور کلی حدود ۱۲۴ شاخص مرتبط با تبعیض جنسیتی و محدودیت‌های موجود در ورزش بانوان وجود دارد که این شاخص‌ها در قالب مقوله "مشکلات مدیریتی"، "الگوسازی و مدیریت دانش"، "عوامل سیاسی"، "برنامه ریزی و سیاستگذاری ورزشی"، "عوامل ساختاری - اجرایی"، "عوامل جنسیتی و شخصیتی"، "فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی"، "مذهب و اعتقادات دینی"، "مسائل مالی" و همچنین "نهادهای رسمی و غیر رسمی" طبقه‌بندی گردید که این مقولات نیز در ذیل مقولات اصلی برگرفته از رویکرد گراند تئوری است طبقه‌بندی شدند.

واژه‌های کلیدی: ورزش بانوان، قوم‌نگاری، ورزش بانوان.

نویسنده مسئول: E-mail: zargar_ta@yahoo.com

گودرزی معصومه، زرگر طیبه سادات، قدیمی بهرام، قاسمعلیپور حسن، تحلیل دیدگاه‌های قوم‌نگاران در زمینه ورزش بانوان، فصلنامه نوآوری در مدیریت ورزشی، پاییز ۱۴۰۴، ۴(۳): ۶۷-۸۷.

مقدمه

امروزه عموم جامعه شناسان براین باورند که عامل و حاصل توسعه، انسان است به نحوی که هرگونه تغییر و تحولی در گرایش‌ها، باورهای افراد عامل تغییر در وضعیت عینی آنان است بدون شک رشد و تعالی هر نظام اجتماعی در پرتو همبستگی اجتماعی و وفاق عمومی افراد آن جامعه میسر می‌گردد (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۹).

جامعه‌شناسان ایجاد همبستگی اجتماعی افراد جامعه را ناشی از عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش‌ها می‌دانند و عامل اصلی واگرایی انسان‌ها را جدال و ستیز و کمبود امکانات مادی تلقی می‌کنند (بویسی و همکاران^۱، ۲۰۱۹). از جمله عوامل تقویت کننده همبستگی اجتماعی داشتن ارزش‌های مشترک، عام‌گرایی، دگراندیشی، همدلی و نوع‌دوستی است و عوامل تهدید کننده آن را سوءظن‌ها، موضع‌گیری‌ها و خاص‌گرایی می‌باشد. هر فردی می‌داند که بدون پیروی از حداقل ارزش‌های مورد قبول عموم مردم، حیات اجتماعی ناممکن است و این پیش‌فرض در واقع رابطه‌ای است بین عام‌گرایی و وفاق اجتماعی. یعنی توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی در یک میدان تعاملی اجتماعی که موجب انرژی مثبت می‌شود (رامسا و همکاران^۲، ۲۰۲۰). بنابراین گرایش به کنش‌های عام‌گرایی موجب تحقق ثبات سیاسی، مشارکت عمومی، تعاون و اعتماد اجتماعی بین شهروندان می‌شود. زنان به مثابه‌ی قشری (و در ادبیات مارکسیستی طبقه‌ای) متمایز از مردان، دارای نیازها و نقش‌ها، هنجارها و مسائل مخصوص به خود هستند. تفاوت‌های اجتماعی موجود، صرف نظر از منشا و علت پیدایش پدیده‌ای واقعی در زندگی روزمره است. مولفه‌های دوگانه‌ی حق به شهر از مفاهیمی هستند که اخیراً در جغرافیای فمینیستی و ادبیات زنان و فضا مورد توجه زیادی قرار گرفته است. (محمدی، ۱۳۹۶) یک بحث بنیادی در این حوزه که در مطالعات فمینیستی مطرح شده است این است که تقسیم‌کار سنتی که مشاغل خانگی را مناسب زنان و مشاغل بیرون از خانه را مناسب مردان تصور می‌کند، در کنار هنجارهای فرهنگی دیگر، جنسیت را به عنوان یک

متغیر تعیین‌کننده در طبقه‌بندی امر شهری وارد کرده است طوری که شهر، هم در موجودیت فیزیکی و هم در موجودیت اجتماعی تعلق کمتری به زنان دارد و کمتر مناسب مشارکت زنان در فراگردهای جاری در آن شناخته شده است. این مساله به کاهش تحرک زنان در شهر، انحصار فضاها به مردان، نادیده گرفته شدن جسم زنانه در طراحی شهری و ... انجامیده است. این رویکرد با تغییرات اجتماعی گسترده در ایران و وارد شدن زنان به عرصه‌ی فعالیت‌های عمومی تا حدودی تغییر شکل داده است. (کریمی، ۱۳۹۱) با وجود تغییرات اخیر در عرصه‌ی شهرها که فضاها را بیش از پیش به زنان اختصاص داده است، برخی از اندیشمندان پیشنهاد کرده‌اند که در زمان حاضر بیش از آن که از حذف محدودیت زنان در اندرونی خانه‌ها سخن بگوییم درست‌تر است از اندرونی‌های تغییر شکل یافته صحبت کنیم. به این معنا که فضا به شکل ریشه‌ای تغییر شکل نداده است زیرا اگرچه در ظاهر اندرونی‌ها حذف شده است و زنان وارد عرصه‌ی عمومی شهرها شده‌اند، محدودیت‌های فضایی به قدری زیاد است که به نظر می‌رسد تغییر چندانی در حقوق فضایی آنان رخ نداده است. این ایده موازی با مفهوم «توازن پدرسالارانه» است که توسط بنت^۳ (۲۰۰۵) مطرح شده است. او معتقد است که در طول تاریخ، بیش از این که تغییر و تحول بر زندگی زنان حاکم باشد، ثبات و ایستایی حاکم بوده است، زیرا پدرسالاری که در طول تاریخ بر زندگی زنان سیطره داشته است، دارای بنیان‌های نظری ثابتی است که مانع تغییر عمده‌ی محتوایی می‌شود و تنها به صورت‌ها اجازه‌ی تغییر می‌دهد (بنت، ۲۰۰۵). در این رویکرد، زنان چه به عنوان یک فرد و چه به مثابه‌ی یک گروه یا طبقه، از آزادی‌ها، فرصت‌ها و یا حق عضویت در گروه‌های سیاسی، احزاب و اجتماعات که در عرصه‌ی عمومی قرار دارند، همانند مردها و یا حتی مشابه یا نزدیک به مردان بهره‌مند نیستند. از این منظر، آنچه در عقاید منسوب به دنیای دموکراتیک، به عنوان زندگی خوب و آزادانه مطرح می‌شود، زنان تنها اسماً و به شکل صوری می‌توانند به آن دست پیدا کنند (هاردین^۴، ۲۰۱۷) و این معضل به فضا نیز قابل تسری است. زیرا فضا اساساً مفهومی است که تحت تاثیر

³ Bennett

⁴ Hardin

¹ Bonesi et al

² Ramesa et al

سرزمینی که اکنون ایران نامیده می‌شود در طول تاریخ سکونتگاه اقوام بسیار متنوعی بوده و هست ایران زمین کشوری چند قومیتی با فرهنگهای قومی و قبیله گوناگون است. هربار یکی از قبایل یا اقوام بر سایرین مسلط و با حذف و طرد سایر قبایل و اقوام موفق به تشکیل حکومت مقتداری شده است و هیچگاه همگرایی درونی و توافق اجتماعی ما بین قومیت‌های ایرانی شکل نگرفته است. همیشه روابط از بیرون و با قدرت و سلطه، امنیت مرزها و همگرایی قومیت‌ها تأمین شده است. همیشه به جای همگرایی قومیتی، سلطه و انقیاد سیاسی امنیت و وحدت ایران زمین را تأمین کرده است. دیالکتیک سلطه و فروپاشی همیشه بر تاریخ ایران زمین حاکم بوده است یا سلطه مقتدرانه مرکز بدون آزادی قومیت‌ها حاکم بوده است یا با کوچک‌ترین خللی در قدرت حاکم ایران زمین درآستانه‌ی فروپاشی قرار گرفته است و هیچگاه تعادلی مابین آزادی‌های قومی و قدرت مرکزی ایجاد نشده بود (موتمنی و همکاران، ۱۳۹۳). گروه‌های قومی و نژادی مختلفی از کردها، ترک‌ها، لرها و فارس در ایران ساکنند. بنابراین هویت ملی مهم ترین عامل همبستگی ملی و جامعه‌ای است و میزان گرایش به آن نشانگر میزان توافق ملی و تمامیت ملی است. در چنین شرایطی مساله اساسی این است که سهم هویت ملی در هویت اجتماعی اعضای گروه‌های قومی چقدر است. تحقیقات تجربی نیز نشان می‌دهد که گرایش به هویت قومی در بین افراد بالاست و با این که هویت ملی نیز در بین اعضای این گروه‌های قومی بالاست، اما میزان آن تا حدودی کمتر از هویت قومی است. ایجاد زمینه‌های مناسب و بسترسازی در جهت بالا بردن میزان همگرایی در بین این گروه‌های قومی، مستلزم شناخت مستمر میزان هویت ملی در بین این اقوام می‌باشد. از دیدگاه چلبی در نظم اجتماعی سنتی روابط اجتماعی^۴ بیشتر صبغه عاطفی دارد از این نظر روابط اجتماعی در سطح جامعه بیشتر انتشاری خاص‌گراست بنابراین منشاء ارزشی در جوامع دارای نظم سنتی نوعاً در ماوراء طبیعت و جامعه است. در بسیاری از جوامع، زنان با مشکلات و نابرابری‌هایی مانند نداشتن دسترسی به امکانات آموزشی برابر با مردان، فرصت‌های

سلسله‌مراتب اجتماعی و مفهوم قدرت و سلطه قرار دارد. تفاوت‌ها نظم اجتماعی را تهدید می‌کند و قدرت‌ها تلاش می‌کنند به یکسان‌سازی در میان شهروندان خود دست بزنند. از این رو لوفور به حذف شده‌ها^۱ توجه می‌کند. گروه‌ها و افرادی که از حضور در برخی فضاهای عمومی منع و یا محدود می‌شوند (میچل^۲، ۲۰۱۶). ورزش و فعالیت‌های ورزشی جزئی از فرهنگ هر ملت است. دختران و زنان بیش از نیمی از جمعیت هر کشور را در بر می‌گیرند، اما متأسفانه تا کنون که هزاره‌ی سوم را آغاز کرده ایم، درصد حضور زنان در فعالیت‌های ورزشی همچنان در بین کشورها متفاوت است. در تمام کشورها، زنان از نظر تعداد کمتر از نیمی از مردان و پسران در فعالیت‌های ورزشی شرکت میکنند. دیویس و همکارانش اظهار داشتند که در بیشتر جوامع، زنان از فرصت‌های برابر برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی محروم‌اند و جالب اینجاست که اختلافات موجود در شکل قوانین فرهنگی ارائه می‌شود (پالم، ۲۰۱۰). یکی از موضوعاتی که در جامعه‌شناسی ورزش شناخت کمی درباره آن وجود دارد اینست که چرا زنانی که در شرایط محیطی یکسانی قرار دارند و یا از ویژگی‌های جسمانی مشابهی برخوردارند از میزان متفاوتی از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی برخوردار می‌باشند؟ بررسی‌های تجربی و تئوریک پیشین نشان داده اند که تفاوت در میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های بدنی نمی‌تواند تنها ناشی از عوامل زیستی - محیطی باشد بلکه عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی در ارتباط متقابل با عوامل زیستی - محیطی یا حتی ممکن است مقدم بر آن باشند. (علیپور، ۱۳۹۴). در خلال دهه گذشته قوانین مربوطه به اصل برابری به عنوان یک اصل حقوق بشری دائماً در حال توسعه و بازنگری بوده است. بخشی از این قوانین مربوط به حضور برابر زنان در ورزش و مسابقات ورزشی بوده است. زیرا به رغم این تلاش‌ها و برابری مطرح شده، هنوز هم کشورها رویکرد یکسانی نسبت به ورزش زنان ندارند (علیپور، ۱۳۹۴).

¹ The excluded

^۲ نکته جالب توجه این جاست که لوفور علی رغم توجه بسیاری که به حذف شده‌ها و طرد شده‌ها دارد، به مفهوم جنسیت در تحلیل‌های خود اشاره‌ای نمی‌کند

³ Lofur & Mitchel

⁴ communal relationship

ارتباطات بین گروهی و یا ترکیبی از آن‌ها باشد آن‌گاه وافر بودن قواعد فرهنگی و اجتماعی از طریق تقسیم ارزش قومی‌گرایی را در بین کنشگران عمومیت می‌بخشد کما این‌که قومی‌گرایی مانع تعمیم ارزش در جامعه می‌شود متقابلاً عدم تعمیم ارزش موجب تقویت قومی‌گرایی می‌شود. در این زمینه تربیت بدنی و ورزش بانوان در ایران اهمیت خاصی دارد، چرا که علاوه بر وجوه اشتراک آن با ورزش مردان و تأثیر مشترکی که بر سلامت و نشاط هر دو جنس زن و مرد دارد، با توجه به اوامر و نواهی دین، حدود و ضوابط برای آن تعیین شده است. آنچه در این تحقیق به‌عنوان مسئله اصلی طرح می‌شود این است که دیدگاه‌های قوم‌نگارانه در زمینه ورزش بانوان چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد فلسفی پژوهش حاضر تفسیرگرایی است. رویکرد تفسیرگرایی در علوم اجتماعی به معنای بدینی به روش‌شناسی علی‌رود تعیین جبری وقایع و اولویت خودآگاهی انسانی است (پاکارد، ۲۰۱۸) بر این اساس انسان‌ها و روابط انسانی مبنای ساخت و تغییر واقعیت اجتماعی هستند (سمی و رابرتسون، ۲۰۱۷) بر پایه این مفروضات تفسیر معنای واقعیت‌های اجتماعی در گروی درک انسان و روابط انسانی است در علوم اجتماعی بر پایه مفروضات پارادایم تفسیرگرایی سه خانواده از روش‌های پژوهش وجود دارد که عبارت‌اند از: روش‌های تفهیمی پدیدارشناسانه و مردم‌نگارانه (ویلسون، ۱۹۷۷). بر پایه مفروضات تفسیرگرایی، اجتماعی روش‌های پژوهش مردم‌نگارانه بازتاب هم‌دلانه ساخت اجتماعی تظاهرات مادی غیرمادی مربوط با انسان در بستر فرهنگ اجتماعی محدودی را دنبال می‌کنند (لیچمن، ۲۰۱۷). در حقیقت، روش‌های مردم‌نگارانه هدف ارائه توصیفی از فعالیت‌های انسانی را دنبال می‌کنند (آنگ، ۲۰۱۸) نتیجه پژوهش‌های مردم‌نگارانه در حقیقت بازتاب اتفاق نظری پنهان در خصوص معنایی در بستر فرهنگ اجتماعی محدود و مشخصی است دیویس ۲۰۱۷ در روش‌های مردم‌نگارانه هم جامعه بررسی شده و هم پژوهشگران بخشی از سوژه بررسی شده به حساب می‌آیند و این موضوع مشخصه بارز روش‌های مردم‌نگارانه است (داویدسون فرانکل و اسمیت، ۲۰۱۸).

شغلی نابرابر با مردان، فقر و درآمد نابرابر، تنش‌های بیشتر و ایفای نقش‌های متعدد خانوادگی و تضاد در این نقش‌ها مواجه می‌باشند که تربیت بدنی و ورزش را نیز می‌توان به آن اضافه کرد. در حدود ۱۵۰ سال پیش، از شرکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ممانعت به عمل می‌آمد، همان‌طور که آنان از شرکت در جامعه، بازار کار و سیاست باز داشته می‌شدند (گومز^۱، ۲۰۱۸). امروزه نیز در بیشتر جوامع، زنان از فرصت‌هایی برابر برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی محروم بوده و با محدودیت‌هایی مواجهند. محدودیت‌های ساختاری و مدیریتی، محدودیت‌های مالی و امکاناتی، محدودیت‌های انسانی و تخصصی و محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، از جمله آن محرومیت‌ها هستند، ولی این محرومیت‌ها در کشور جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف به ویژه شرایط فرهنگی اجتماعی حاکم بر کشور برجستگی بیشتری دارد (دفتر ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور، ۱۳۸۷). در مورد اهمیت و ضرورت تحقیق هم‌چنین باید گفت که اولین هدف هر پژوهشی کسب آگاهی و شناخت بیشتر در گرایش مربوطه است که در نهایت منجر به شناسایی معضلات و موانع می‌شود. این ضرورت، در مورد پژوهش حاضر نیز به چشم می‌خورد. ضرورت کندوکاو درباره‌ی یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین رشته‌های علوم انسانی و پرسش از چگونگی وضعیت آن پس از هفتاد سال حضور در عرصه‌ی آکادمیک، کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد. هم‌چنین ضروری است که با توجه به پیشینه‌ی موجود که در بالا ذکر شد در شهرها، به‌عنوان مرکز استان‌ها که شاهد مهاجرت و تحرک روانی جمعیت هستیم و مهاجرت به این شهر با اهداف دستیابی به امکانات اقتصادی، فرهنگی - رفاهی انجام می‌پذیرد و بدین طریق افراد دارای خرده‌فرهنگ‌های متفاوتی می‌باشند (کیم و همکاران، ۲۰۱۹). فرآیند تفکیک اجتماعی از طریق تکثیر گروه‌بندی اجتماعی تعداد خرده‌فرهنگ‌ها را افزایش می‌دهد و افزایش خرده‌فرهنگ‌ها نیز به نوبه خود زمینه‌ی بالقوه اختلال نمادی را آماده می‌سازد. و اصولاً اگر جامعه‌ای حائز شرایطی چون افزایش جمعیت یا تفکیک اجتماعی بالا یا محیط با غلظت نمادی بالا یا عدم

¹ Gomez

تجربه کردیم با این حال برای اطمینان از اشباع داده‌ها، ۳ مصاحبه دیگر انجام و در مجموع ۲۰ مصاحبه انجام شد.

شرایط علی متاثر از تحلیل دیدگاه‌های قوم‌نگارانه در زمینه ورزش بانوان:

بررسی و طبقه بندی مقوله‌ها بر اساس دیدگاه خبرگان نشان می‌دهد که بر اساس دیدگاه مصاحبه شوندگان، تحلیل‌های انجام شده در خصوص دیدگاه‌های که وجود دارد، تابع برخی از شرایط علی بوده است. شرایط علی شامل مقوله‌های "مشکلات مدیریتی"، "عوامل ساختاری - اجرایی" و "مسائل مالی" است که هر یک شامل شاخص‌های متعددی است که از قرار زیر است:

مشکلات مدیریتی

یکی از مهمترین مقوله‌هایی که کدهای زیادی را به خود اختصاص داده است، مقوله مشکلات مدیریتی می‌باشد. بطور کلی در خصوص مدیریت ورزش در کشور کدهای بیشماری در این پژوهش بدست آمد. اما بنا به نظر خبرگان صرفاً به شاخص‌هایی اشاره شده است که ارتباط بیشتری با ورزش بانوان داشته اند. از مهمترین مواردی که در این خصوص بیشترین اشاره بدان شده است، "حضور پررنگ مدیران مرد در مناصب مختلف مدیریتی ورزش بانوان" می‌باشد.

همانطور که خانم ب.ت در مصاحبه ای اینچنین توضیح داد:

"متأسفانه علیرغم اینکه روز به روز در فدراسیون‌ها از بانوان تحصیلکرده در پست‌های مختلف مدیریتی ورزش بانوان بیشتر استفاده می‌شود، اما هنوز هم حضور مردان در مناصب مختلف مدیریتی ورزش زنان بسیار بیش از حد

متعارف است که بایستی چاره اندیشی شود...."

یکی دیگر از بزرگترین معضلات ورزش بانوان در این موضوع حضور معنادار مدیران زن غیر ورزشی و نداشتن شایستگی‌های مدیریتی می‌باشد.

خانم ی.ن در این خصوص توضیح دادند: "در برخی از سازمان‌های ورزشی مشاهده می‌کنیم بانوانی مناصب مدیریتی را به عهده می‌گیرند که وابستگی حزبی و سیاسی دارد و بسیاری از بسیاری از مسائل تخصصی رشته

از این رو این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی بوده و با استفاده از روش قوم نگاری در مورد ورزش بانوان پرداخته است.

جامعه آماری مورد مطالعه افراد صاحب نظر در حوزه ورزش بانوان هستند که از قومیت‌های مختلف تشکیل شده اند و دارای سوابق اجرای و عملی در حوزه ورزش بانوان هستند. در روش کیفی قوم نگارانه چیزی به عنوان حجم نمونه از پیش تعیین شده موجود نیست بلکه افراد مورد مطالعه در حین مطالعه و در بطن پژوهش مشخص میشوند یعنی حجم مطالعه تا جایی ادامه پیدا می‌کند که یافته جدیدی به یافته‌های قبلی اضافه نشود و به اشباع نظری رسیده باشیم. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده تعداد ۲۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

پس از جمع آوری داده‌های پژوهش، داده‌ها واکاوی و تحلیل می‌گردند. یکی از مهم ترین اهداف در این مرحله، شناسایی تم‌های کلیدی است؛ به این دلیل که آنها از میان داده‌ها ظاهر می‌شوند نشانه‌های این تم‌های کلیدی در روایت‌ها عبارات، نمادها یا ایده‌هایی ظاهر می‌شوند که چندین بار در داده‌ها تکرار شده و مجدداً ظاهر شده‌اند (مورچیسون، ۲۰۱۰). به دلیل استفاده از داده‌های متنوع مشاهده، مصاحبه‌های رسمی و غیر رسمی، اسناد و عکس‌های متنوعی از فرآیندها و تکنیک‌های داده کاوی مورد استفاده قرار گرفته است. برای این کار همه‌ی یادداشت‌های میدانی که در حین انجام مشاهدات و مصاحبه‌ها و گفتگوهای غیررسمی انجام گرفته، ویرایش و بازنویسی شده و جزئیات لازم به آنها افزوده شده و به یک متن قابل تحلیل تبدیل شده اند.

یافته‌های پژوهش

بیش از این که به بررسی یافته‌های این مطالعه بپردازیم برای آشنایی خوانندگان، به اختصار به معرفی مشخصه‌های زمینه ای مصاحبه شوندگان می‌پردازیم تا خوانندگان این پژوهش درک درستی از وضعیت زمینهای ورزش بانوان داشته باشند.

دلیل اینکه شرکت‌کنندگان از طیف‌های مختلفی انتخاب شدند این بود که طیفی از دیدگاه‌های قوم‌نگارانه را در مورد ورزش بانوان را بررسی کنیم. زمانیکه مصاحبه انجام شد از مصاحبه ۱۴ تا ۱۷ ما تکرار اطلاعات مصاحبه را

نبود ضمانت اجرایی در اجرای برخی قوانین مرتبط با ورزش بانوان" می‌باشد.

خانم ب. ف در این زمینه توضیح دادند:

"متأسفانه نبود قوانین به روز و کاربردی که جوایگوی تمامی نیازهای ورزشی زنان باشد، یکی از بزرگترین خلاءهای بنیادین کشور است. اما مهم‌تر از آن عدم نظارت بر اجرای قوانین موجود است. چرا که بارها دیده می‌شود فرد یا سازمانی در موضوعی تخلف می‌کند ولی نهاد نظارتی نسبت به عملکرد افراد خاطی هیچ رسیدگی نمی‌کند."

تحت مدیریت خود آگاه نیست. بنابراین با چنین افرادی نمی‌توان اقدامات اساسی در ورزش بانوان صورت داد."

عوامل ساختاری - اجرایی

در مقایسه با سایر مقوله‌ها، بیشترین آسیب‌های اشاره شده در مصاحبه‌ها مربوط به این مقوله (با ۱۲ شاخص) می‌باشد. همانطور که مشخص است هریک از شاخص‌ها نیز از فراوانی زیادی برخوردار هستند. همانطور که مشخص است از مهمترین شاخص‌هایی که در این خصوص بیشترین اشاره بدان شده است، "عدم نظارت و

جدول شماره ۱: تحلیل دیدگاه‌های قومیتی از مقوله مشکلات مدیریتی در ورزش بانوان

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندگان)
۱	مشکلات مدیریتی	نبود شایستگی‌های مدیریتی و عملکرد ضعیف در برخی از مدیران زن	۱۴
۲		حضور مدیران مرد در مناصب مختلف مدیریتی ورزش بانوان	۱۷
۳		تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و غیر تخصصی در سرمایه‌گذاری‌های ورزش بانوان در استان‌های کشور	۱۲
۴		نداشتن حق امضاء و ناتوانی نواب رئیس‌ان در اخذ اعتبار و بودجه	۸
۵		حضور مدیران غیر ورزشی در ورزش بانوان	۱۵
۶		نگرش منفی مدیران مرد سطوح بالا نسبت به مدیریت زنان	۹
۷		سلیقه‌ای عمل کردن مدیران سازمان‌ها و فدراسیون‌ها در مدیریت ورزش بانوان	۱۰
۸		بی‌توجهی به روانشناسی و اقتضات زنان در ورزش به دلیل حضور مردان در مناصب مدیریتی	۵

جدول شماره ۲: تحلیل دیدگاه‌های قومیتی مقوله عوامل ساختاری - اجرایی

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندگان)
۱	عوامل ساختاری - اجرایی	عدم برگزاری مسابقات تدارکاتی جهانی در ورزش بانوان در کشور	۱۳
۲		ایجاد محدودیت در حضور زنان در ورزشگاه‌ها جهت مشاهده برنامه‌های ورزشی	۹
۳		نبود برنامه مشخص استعدادیابی ورزش زنان	۱۳
۴		جو مردانه مجمع‌ها و هیئت‌های ورزشی در انتخابات	۱۱
۵		وجود تبعیض جنسیتی در تخصیص سهمیه‌های مربیگری جهت شرکت در کلاس‌های آموزشی بین‌المللی	۹
۶		وجود برخی قوانین محدود کننده بین‌المللی (همچون محدودیت حجاب در ورزش، تست تستسترون)	۱۱
۷		محدودیت‌های قانونی در حق خروج از کشور زنان متأهل به منظور حضور در اردوها و مسابقات بین‌المللی	۱۰
۸		عدم بکارگیری بانوان در سمت‌های سرداور و داور دوم در بیشتر رشته‌های گروهی در مسابقات لیگ برتر	۷
۹		عدم بکارگیری از مربیان زن در سمت مربیگری در اکثر رشته‌های گروهی در سطح تیم ملی	۹
۱۰		عدم اجرای برنامه‌های آموزشی مستمر تخصصی ویژه مربیان ورزشی	۱۲
۱۱		عدم شفافیت و نبود نظارت بر نحوه تخصیص بودجه اختصاصی زنان در سازمان‌های مربوطه	۱۶
۱۲		عدم نظارت و نبود ضمانت اجرایی در اجرای برخی قوانین مرتبط با رفع تبعیض جنسیتی در ورزش	۱۸

مسائل مالی

از جمله شاخص‌هایی که در تمامی مصاحبه‌ها بدان اشاره شد، "درآمد بسیار پایین در ورزش بانوان نسبت به ورزش مردان" بود. یکی دیگر از موارد در این راستا "کمبود امکانات و تجهیزات و فضای ورزشی مناسب ویژه بانوان" بود. سایر اطلاعات در جدول شماره ۳ اشاره شده است.

خانم ش. ف در این زمینه توضیح داد:

متأسفانه زمانی که ورزشکاران خانم می‌خواهند به صورت حرفه‌ای به ورزش خود ادامه دهند، با کمبود فضای استاندارد و تجهیزات و فضای ورزشی مواجه می‌شوند. شما مقایسه کنید ببینید سرانه فضای ورزشی برای مردان چند برابر سرانه فضای ورزشی زنان است؟ به دلیل حساسیت‌هایی که در کشور وجود دارد زنان در هر مجموعه ورزشی نمی‌توانند ورزش کنند. حتی از حمایت و پشتیبانی لازم به منظور تأمین تجهیزات ورزشی در وزارت ورزش برخوردار نیستند."

الگوسازی و مدیریت دانش

از بیشترین مواردی که در مصاحبه‌ها بدان اشاره شد، "نبود برنامه‌های بلند مدت الگوسازی و قهرمان پروری در ورزش بانوان" است. خانم ش. ر از مربیان ورزشی که سابقه مربی‌گری در تیم‌های ملی کشورمان را نیز دارند، در این زمینه توضیح دادند:

در کشور ما هیچ برنامه‌ای برای پرورش و تربیت ورزشکاران به سمت قهرمانی وجود ندارد. ورزشکاران وقتی که به سطح حرفه‌ای می‌رسند با محدودیت‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. نبود مربیان طراز اول در ورزش بانوان، نبود شرایطی که بتوان از تجربیات ورزشکاران و مربیان مرد استفاده کرد، ابهام در آینده ورزش حرفه‌ای و عدم بهره‌مندی از تجربیات پیشکسوتان از مهمترین محدودیت‌های ورزش کشورمان می‌باشد.

برنامه ریزی و سیاستگذاری ورزشی

بنا بر نظر مصاحبه‌شوندگان از بزرگترین معضلات کلان و ملی مرتبط با سیاستگذاری‌های ورزشی، نبود آئین‌نامه، قوانین و بخشنامه‌های یکپارچه در راستای حمایت از ورزش زنان در نهادهای اجرایی همچون فدراسیون‌های ورزشی می‌باشد. از دیگر محدودیت‌های موجود، وجود تبعیض در تدوین برنامه‌های استراتژی میان ورزش زنان و مردان و در کنار آن تبعیض در تخصیص امکانات زیر ساختی می‌باشد.

شرایط زمینه‌ای متاثر از تحلیل دیدگاه‌های قوم‌نگارانه در زمینه ورزش بانوان:

بررسی و طبقه‌بندی مقوله‌ها بر اساس دیدگاه خبرگان نشان می‌دهد که بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، شرایط زمینه‌ای متاثر از تحلیل دیدگاه‌های قوم‌نگارانه در زمینه ورزش بانوان شامل مقوله‌های "الگوسازی و مدیریت دانش"، "برنامه ریزی و سیاستگذاری ورزشی" و "نهادهای رسمی و غیر رسمی" است که هر یک شامل شاخص‌های متعددی است که از قرار زیر است:

جدول شماره ۳: تحلیل دیدگاه‌های قومیتی در مورد مسائل مالی

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شونده‌گان)
1	مسائل مالی	درآمد بسیار پایین در ورزش بانوان نسبت به ورزش مردان	۱۹
2		تبعیض در پرداخت پاداش‌های ورزشی بین قهرمانان ورزشی مرد و زن	۱۴
3		بودجه کم در ورزش بانوان	۱۶
4		تبعیض جنسیتی در تخصیص بودجه‌های ورزش بانوان و آقایان	۱۵
5		عدم نظارت بر نحوه هزینه‌کرد بودجه فدراسیون‌ها و سازمان‌های ورزشی در ورزش بانوان	۱۶
6		هزینه‌کردن بودجه ورزش بانوان در زمینه‌های دیگر	۱۳
7		عدم حضور در مسابقات باشگاهی بین‌المللی بدلیل مشکلات مالی	۱۱
8		عدم حمایت مالی تیم‌های ملی بانوان جهت شرکت در مسابقات جهانی	۱۰
9		کمبود امکانات و تجهیزات و فضای ورزشی مناسب ویژه بانوان	۱۷

جدول شماره ۴: تحلیل دیدگاه قومیتی در مورد مقوله الگوسازی و مدیریت دانش

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندهگان)
1	الگوسازی و مدیریت دانش	نبود برنامه‌های بلند مدت الگوسازی و قهرمان پروری در ورزش بانوان	۱۳
2		عدم امکان حضور مربیان زن در تمرینات و برنامه‌های آموزشی تیم ملی آقایان در کنار مربیان خارجی	۱۱
3		ضعف در تولید برنامه‌های تلویزیونی در خصوص بانوان موفق ورزشکار	۱۲
4		عدم حضور مربیان با تجربه و موفق مرد در تیم‌های بانوان	۱۱
5		میهم بودن آینده حرفه ای ورزش بانوان و نبود چهره ای واضح از آینده ورزش بانوان	۱۰
6		عدم برنامه ریزی به منظور دعوت از مربیان خارجی زن	۸
7		نبود برنامه‌های مدیریت دانش به منظور بهره مندی از تجربیات ورزشکاران حرفه ای و با تجربه	۱۱

جدول شماره ۵: تحلیل دیدگاه قومیتی در مورد مقوله برنامه ریزی و سیاستگذاری ورزشی

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندهگان)
1	برنامه ریزی کلان و سیاستگذاری ورزشی	وجود تبعیض در تدوین برنامه‌های استراتژیک و امکانات زیر ساختی در ورزش زنان و مردان	۱۳
2		تنگ نظری و تبعیض‌های اداری در تفویض امکانات و برنامه ریزی‌های ورزشی بین زنان و مردان	۱۰
3		عدم برنامه ریزی نسبت به برگزاری مسابقات تدارکاتی جهانی در ورزش بانوان	۱۲
4		نبود برنامه‌های مشترک جامع و میان سازمانی به منظور استعدادیابی ورزشی بانوان از سنین پایین	۱۱
5		عدم تدوین آئین نامه ها، قوانین و بخشنامه‌های یکپارچه در راستای حمایت از ورزش زنان در فدراسیون ها	۱۴
6		نبود قانون یا عدم بازنگری در خصوص چالش‌های به روز و جدید در ورزش زنان و اقتضات جنسیتی	۱۲
7		عدم تدوین قوانینی در راستای رفع تبعیض و نابرابری جنسیتی در ورزش	۷
8		بی توجهی به اقتضات فرهنگی و جغرافیایی (آمایش سرزمینی) در برنامه ریزی ورزش زنان در استان‌های مختلف	۶

نهادهای رسمی و غیر رسمی

با توجه به مصاحبه‌های به عمل آمده، بدیهی است که نهادهای رسمی و غیر رسمی در ایجاد محدودیت در ورزش بانوان در ورزش تأثیر بسزایی دارند. بنابراین نقش صدا و سیما، مطبوعات، وزارتخانه‌ها و فدراسیون‌ها، اسپانسرها و کلیه سازمان‌های خصوصی و سایر نهادها در بهبود و یا تضعیف ورزش بانوان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

آقای آ.ک در این زمینه توضیح دادند:

"متأسفانه پوشش خبری ورزش بانوان با ورزش آقایان اصلاً قابل مقایسه نیست. رسانه‌ها نیز در نسبتی ناعادلانه به بررسی اخبار ورزش بانوان در مقایسه ورزش آقایان می‌پردازند. یک معضل دیگر این است که نهادهای رسمی و نظارتی نیز هیچ برنامه ای در بهبود این امر ندارند. وقتی

چنین اتفاقی بیفتد، اسپانسرها نیز در ورزش بانوان سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. چرا که آنان در جایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که دیده شوند."

شرایط مداخله گر متاثر از تحلیل دیدگاه‌های قوم‌نگارانه در زمینه ورزش بانوان:

بررسی و طبقه‌بندی مقوله‌ها بر اساس دیدگاه خبرگان نشان می‌دهد که بر اساس دیدگاه مصاحبه شوندهگان، دیدگاه‌های قوم‌نگارانه در زمینه ورزش بانوان، تابع برخی از شرایط مداخله گر بوده است. شرایط مداخله گر بنا بر اجماع نظر خبرگان شامل مقوله‌های "عوامل سیاسی"، "عوامل جنسیتی و شخصیتی"، "فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی" و "مذهب و اعتقادات دینی" است که هر یک شامل شاخص‌های متعددی است، که عبارت است از:

عوامل سیاسی

مشکلات مالی و فشارهای اجتماعی و خانوادگی نیز باعث می‌شود زنان توان مبارزه و تحمل این محدودیت‌ها را نداشته باشند و ورزش حرفه ای را ادامه ندهند."

بنا بر نظر مصاحبه شوندگان یکی از بزرگترین مقوله‌های تأثیرگذار در موضوع پژوهش عوامل سیاسی است. از جمله شاخص‌هایی که در اغلب مصاحبه‌ها اشاره شد، انتصاب سیاسی جایگاه‌های مدیریتی ورزش بانوان است. سایر اطلاعات در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

عوامل مرتبط با فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی

مقوله فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی شامل ۹ شاخص است که در همه مصاحبه‌ها به این موضوع به عنوان یکی از بزرگترین محدودیت‌های ورزش زنان از دیدگاه‌های قومیتی در مورد ورزش بانوان است پرداخته شد. خانم زب در این زمینه گفتند:

"متأسفانه همچنان فرهنگ حاکم در کشورمان مردسالاری است. اینکه زنان در بسیاری از امور ورزشی نمی‌توانند آزادانه تصمیم بگیرند حاکی از این امر است. حتی در برخی مواقع قانون نیز از این فرهنگ تبعیت می‌کند. به عنوان مثالی ورزشکار حرفه ای جهت اعزام به مسابقات جهانی نیاز به اذن همسر خود دارد. در کجای دنیا چنین اتفاقی می‌افتد. بارها پیش آمده است که ورزشکاری قبل از شروع مسابقات گفته است که همسرش اجازه خروج وی را از کشور نمی‌دهد و یا شرط می‌کند که وی نیز همراه تیم اعزامی حضور یابد ..."

عوامل جنسیتی و شخصیتی

بنا بر نظر مصاحبه شوندگان یکی از عوامل مهم در ایجاد محدودیت در ورزش زنان و به خصوص تشدید تبعیض جنسیتی مسائل جنسیتی و فردی بانوان می‌باشد. این مسأله نه تنها در ایران که در سایر کشورها نیز وجود دارد. آقای د. ص در این خصوص توضیح دادند:

"یکی از محدودیت‌های زنان ایران در بحث ورزش، مشکلات مربوط به بدنمندی آنان است. این مسأله باعث می‌شود حضور زنان در ورزش حرفه ای محدودتر شود. وجود چنین مسائلی باعث می‌شود، زنان نسبت به آینده ورزش حرفه‌ای خود تصویر واضحی نداشته باشند.

جدول شماره ۶: تحلیل دیدگاه قومیتی در مورد مقوله نهادهای رسمی و غیر رسمی

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندگان)
1	نهادهای رسمی و غیر رسمی	تبعیض جنسیتی در پوشش اخبار و برنامه‌های ورزشی مردان و زنان در کشور	۱۸
2		ارتباط ضعیف حوزه بهداشت و درمان و ورزش بانوان	۴
3		عدم حضور و حمایت سازمان‌های دولتی از ورزشکاران زن و ورزش بانوان	۵
4		بی توجهی به تولید برنامه‌های ورزشی ویژه ورزش بانوان توسط صدا و سیما	۱۱
5		نقش کم‌رنگ شهرداری و آموزش و پرورش در استعدادیابی ورزش بانوان	۷
6		عدم حضور اسپانسرها و حمایت‌کننده‌های مالی در ورزش بانوان	۱۳
7		تبعیض جنسیتی در تخصیص ساعات ورزشی باشگاه‌های ورزشی مردان و زنان	۱۰
8		عدم حمایت موسسات و شرکت‌های خصوصی در تشکیل باشگاه‌های ورزشی زنان	۹

جدول شماره ۷: تحلیل دیدگاه قومیتی در مورد مقوله عوامل سیاسی

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندگان)
1	عوامل سیاسی	وابستگی نهادهای ورزشی به نهادهای سیاسی و دینی در ورزش زنان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها	۱۲
2		تأثیر جریان‌های سیاسی در سیاست‌گذاری‌های ورزشی بالاخص در ورزش زنان	۱۰
3		نداشتن ارتباطات گسترده مدیران زن با گروه‌ها، مدیران دیگر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی	۶
4		انتصاب سیاسی جایگاه‌های مدیریتی ورزش زنان	۱۴
5		وجود شکاف سیاسی با دو نگاه متجدد و سنتی و تأثیر آن بر بی توجهی به ورزش زنان	۷

جدول شماره ۸: تحلیل دیدگاه قومیتی در مورد مقوله عوامل جنسیتی و شخصیتی

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندهگان)
1	عوامل جنسیتی و شخصیتی	احساس ناامیدی نسبت به آینده ورزش حرفه ای در بین ورزشکاران بالاخص در ورزش بانوان	۴
2		محدودیت حضور زنان در ورزش بخاطر بدنمندی (نمایش بدن زن ها)	۱۱
3		ترک ورزش حرفه ای به دلیل فشارهای اجتماعی و فرهنگی	۹
4		احساسی بودن زنان در تصمیم گیری های مدیریتی	۴
5		عدم امنیت شغلی مربیان ورزش بانوان	۱۰
6		وجود تفکر مردانه در تصمیم گیران و مدیران زن ورزشی	۱۱
7		فعال نبودن بخش بانوان در هیئت ها و تشکل های ورزشی	۸
8		کمبود مربیان خانم کارآموده در رشته های مختلف ورزشی	۹
9		قلمداد کردن مردانه بودن ماهیت برخی از ورزش ها (همچون ورزش های رزمی)	۹
10		ایجاد محدودیت در تداوم ورزش حرفه ای بواسطه تأهل و نقش مادر و همسر بودن زنان ورزشکار (مسئولیت های خانوادگی)	۱۲

جدول شماره ۹: تحلیل دیدگاه قومیتی در مورد مقوله فرهنگ و ارزش های اجتماعی

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندهگان)
1	فرهنگ و ارزش های اجتماعی	بی توجهی به قومیت ها و فرهنگ های محلی و منطقه ای در ورزش بانوان	۱۰
2		تأثیر منفی گرایشات و تعصبات قومی و قبیله ای در تداوم ورزش حرفه ای در بانوان	۱۱
3		عدم فرهنگ سازی نسبت به حضور زنان در برخی رشته های ورزشی	۷
4		محدودیت حضور و فعالیت ورزشی زنان در جامعه	۹
5		نگاه جنسی غالب به نقش زن در جامعه	۸
6		فرهنگ مردسالاری حاکم بر جامعه	۱۱
7		اولویت نقش "مادر و همسر بودن" نسبت به "ورزشکار بودن" در برخی سنت ها و ارزش های قومی	۱۲
8		تأثیر منفی پدیده کودک همسری و ازدواج در سنین پایین	۱۰
9		عدم حضور مستمر ورزشکاران در تمرینات و اردوها به دلیل عدم اجازه پدران و همسران	۱۱

عوامل مرتبط با مذهب و اعتقادات دینی

بنا بر نظر اغلب مصاحبه شوندهگان، برخی از محدودیت های موجود در ورزش زنان مرتبط با مذهب و اعتقادات دینی می باشد. از آنجا که کشور ما اسلامی است، طبیعتاً جهت حضور بانوان کشورمان در مسابقات جهانی با محدودیت هایی همراه است. حتی در برخی مواقع فدراسیون های جهانی نیز با پوشش اسلامی در برخی رشته های ورزشی مخالفت می کنند.

خانم ف. ه در این زمینه توضیح دادند:

در بسیاری مواقع محدودیت های موجود در ورزش بانوان

مربوط به مسائل دینی دینی نیست. زمانی که در صدر اسلام مردم دعوت به ورزش می شدند، این دعوت محدود به مردان نبود. مشکل ما این است که برداشت های ما از دین محدود کننده است. برداشت های غلط برخی مدیران و سیاستگذاران ورزشی باعث می شود بر خلاف دستورات دینی و شرعی محدودیت هایی در ورزش بانوان ایجاد شود."

راهبردهای متاثر از تحلیل دیدگاه های قوم نگارانه در

زمینه ورزش بانوان:

بطور کلی حدود ۲۲ راهکار توسط مصاحبه شوندهگان

مطرح شد که به طور مستقیم در زمینه ورزش بانوان از دیدگاه قوم نگارانه تأثیرگذارند. بنا بر نظر خبرگان این شاخص‌ها در ۵ مقوله "شایستگی‌های مدیریتی"، "استعدادیابی و الگوسازی"، "آموزش و توسعه"، "بازنگری

و به روز رسانی قوانین" و "نقش نهادهای رسمی و غیر رسمی" طبقه بندی شدند. سایر اطلاعات در جدول شماره ۱۱ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۱۰: تحلیل دیدگاه قومیتی در مورد مقوله مذهب و اعتقادات دینی

ردیف	مقوله	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شونده‌گان)
1	مذهب و اعتقادات دینی	محدودیت‌های مذهبی و شرعی در حضور زنان در رقابت‌های ورزشی مردان	۱۱
2		محدودیت‌های مذهبی و شرعی در تماشای تمرینات و اردوهای ورزشی مردان توسط ورزشکاران زن	۱۰
3		محدودیت‌های مذهبی و شرعی در ارتباط زنان با ورزشکاران و مسئولین مرد	۱۲
4		برداشت‌های غلط مدیران و سیاستمداران از دین در برنامه ریزی و سیاستگذاری‌های ورزش بانوان	۱۶
5		نقش حکومتی بودن دین و تأثیر آن بر ایجاد محدودیت در ورزش بانوان	۱۰
6		محدودیت‌های مذهبی و سیاسی در خصوص عضویت بازیکنان زن در تیم‌های خارجی	۹
7		محدودیت‌های مذهبی در خصوص اعزام داوران زن به مسابقات برون مرزی	۸
8		وجود قوانین شرعی بالادستی محدود کننده نسبت به حق زنان و دختران	۹
9		اختیارات شرعی و عرفی پدر و شوهر در خصوص اعزام بانوان به خارج از کشور	۱۱
10		محدودیت نوع پوشش اسلامی جهت حضور در مسابقات جهانی در برخی رشته‌های ورزشی	۶
11		برخی از فتاوی‌ای مستقیم محدود کننده برخی مراجع تقلید در امر ورزش زنان	۸

جدول شماره ۱۱: تحلیل دیدگاه قومیتی در مورد راهبردها و استراتژی‌های ورزش بانوان

مقوله اصلی	مقولات فرعی	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شونده‌گان)
راهکارها	شایستگی‌های مدیریتی	داشتن مهارت‌های مدیریتی و عمومی به ویژه در مدیران زن	۷
		توان مذاکره و قدرت ارائه بالا به ویژه در مدیران زن	۴
		لزوم استفاده بیشتر از زنان در جایگاه‌های مدیریتی ورزش بانوان	۱۲
		لزوم آشنایی مدیران زن با فرهنگ بومی و مسائل فرهنگی	۹
	استعدادیابی و الگوسازی	لزوم انجام استعدادیابی در سنین پایین به ویژه در ورزش بانوان	۱۱
		برگزاری جشنواره‌های ورزشی متنوع و مستمر به منظور استعدادیابی ورزش بانوان	۷
		همکاری مستمر و مشخص نهادهای مختلف در استعدادیابی ورزش بانوان	۷
		تعامل با زنان موفق ورزشکار ایرانی و پیشکسوتان و بهره مندی از تجارب ایشان	۶
		لزوم برگزاری جشنواره‌های متنوع ورزشی با حضور خانواده ها	۶
		لزوم ایجاد الگوهای بومی و ارزشی در ورزش بانوان	۴
آموزش و توسعه	برگزاری مستمر آموزش‌های همگانی به منظور ترویج فرهنگ ورزش زنان	۸	
	لزوم برگزاری کارگاه‌های آموزشی مستمر ویژه مدیران ورزشی زن باشگاه‌ها و مجموعه‌های ورزشی	۷	
	لزوم نظارت بر حسن اجرای برخی قوانین نسبت به امور ورزش بانوان به منظور جلوگیری از تصمیم گیری‌های سلیقه ای مدیران	۱۱	
بازنگری و به روز رسانی قوانین	لزوم بازنگری شرح شغل‌ها و شرایط احراز مدیران	۹	
	برگزاری مسابقات بین المللی کشورهای مسلمان در کشور	۱۰	

مقوله اصلی	ردیف	مقولات فرعی	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندهگان)
	16		تعامل بیشتر ورزشکاران زن با مرد	۱۱
	17		حضور زنان در ورزشگاهها	۸
	18		لزوم بازنگری و اصلاح برخی قوانین ورزشی (همچون میزان قدرت قانونی اذن شوهر در حضور همسر در مسابقات خارج از کشور و...)	۱۳
	19		لزوم تولید برنامه‌های مستمر ورزشی به منظور پرداختن به فعالیت‌های ورزش بانوان	۱۲
نهادهای رسمی و غیر رسمی	20	رسمی و غیر رسمی	لزوم انجام تبلیغات گسترده از ورزش‌های بانوان به منظور مشارکت بیشتر تماشاگران	۹
	21		نقش سازمان‌های تأمین اجتماعی و امور مالیاتی در اجرای بندهای تشویقی به منظور حضور و دلگرمی بیشتر اسپانسرها در ورزش بانوان	۱۰
	22		لزوم وجود فضایی امن و اخلاقی در باشگاه‌های ورزشی کشور به ویژه در ورزش بانوان	۸

پیامدهای حاصل از تحلیل دیدگاه‌های قوم نگارانه

در زمینه ورزش بانوان:

تمامی مصاحبه شوندهگان به این مسأله اشاره کردند که در صورت توجه به ورزش بانوان وضعیت کلی جامعه به سمت

بهبود سلامت پیش خواهد رفت و اینکه جامعه پذیری جامعه در مورد بانوان بهبود خواهد یافت. موارد مطرح شده در ۱۷ شاخص تدوین شدند که در جدول شماره ۱۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۲: پیامدهای حاصل از تحلیل دیدگاه‌های قوم نگارانه در زمینه ورزش بانوان

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	شاخص	فراوانی منابع (مصاحبه شوندهگان)		
۱	کاهش ناهنجاری‌ها	کاهش	کاهش مشکلات اجتماعی	۶		
۲			رفع نگاه‌های چند دستگی در جامعه نسبت به بانوان	۵		
۳			تبدیل نگاه‌های منفی افراد در جامعه به نگاه مثبت نسبت به بانوان.	۶		
۴	اثرات اقتصادی		ایجاد کسب و کارهای جدید برای بانوان	۳		
۵			بالا رفتن میزان درآمد بانوان	۴		
۶	پیامدهای شخصی		بهبود عملکرد حرکتی بانوان	۳		
۷			ارتقاء روحیه مبارزه طلبی بانوان	۵		
۸			پرورش انگیزه مثبت در بانوان	۶		
۹			تلاش بیشتر در راه رسیدن به اهداف	۴		
۱۰			ارتقای سلامت جسمانی بانوان	۴		
۱۱			کمترا شدن لغزش‌های احتمالی	۶		
۱۲			بالا رفتن مقبولیت بانوان در جمع دوستان و خانواده	۵		
۱۳			افزایش مشارکت اجتماعی	۳		
۱۴			جامعه پذیری		نقش پذیری بانوان در جامعه	۸
۱۵					بالا رفتن حس هم دلی در جامعه	۶
۱۶	تحکیم جایگاه زنان در جامعه	۷				

بحث و نتیجه گیری

با مطالعه ورزش در دنیا طی بیست سال گذشته، انقلابی واقعی در ورزش زنان رخ داده است. توجه به ورزش جزء لاینفک نهضت زنان به شمار می‌رود و همین امر دورنمای

جدیدی را در زمینه تلاش انسان گشوده است. ما می‌توانیم جایگاه فعلی و مشکل احتمالی ورزش زنان را در آینده با نگاهی به الگوی عملکرد ورزشی زنان، درست مانند هر پدیده بیولوژیکی دیگر، تصور کنیم. به عبارت

که شرایط لازم و محیط امنی برای ورزش بانوان وجود داشته باشد که بتوانند با توجه به علایق خود به فعالیت‌های بدنی بپردازند. چراکه این موارد در نهایت به تغییر نظرات و دیدگاه دیگر جوامه منجر می‌شود. همچنین تبلیغات منفی که وجود دارد بدون شک تغییر خواهد کرد و مانورهای سیاسی که در رسانه بر علیه فرهنگ جامع می‌شود بدون شک تغییر خواهد کرد. با این تفاسیر تندرستی بانوان به عنوان یک عامل مهم می‌تواند در بحث شاخص‌های توسعه یافتگی قلم داد کرد.

حضور زنان در ورزش به‌ویژه در سطوح قهرمانی تا حد زیادی می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در عرصه بین‌المللی برای کشور ایجاد کند. موفقیت برای ورزشکاران یک کشور در رقابت‌های جهانی و المپیک به‌طور کلی تقویت‌کننده وجهه و اعتبار آن کشور در جهان خواهد شد و اهمیت این نقش در ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه بسیار زیاد است. عوامل زیادی وجود دارد که بانوان را ترغیب کند به ورزش بپردازند، و این عوامل نیز در توسعه اثرگذار باشد. یکی از این عوامل عامل‌های فردی است که بانوان برای این عوامل اهمیت خاصی قائل هستند. عوامل فردی شناسایی شده اکثراً مرتبط با عوامل روانشناختی است. بانوان بعنوان نیمی از جمعیت جامعه و بعنوان یک عامل بسیار تاثیرگذار در خانواده در جهت تحکیم بنیان خانواده و جامعه اگر از عزت نفس کافی برخوردار باشد و بتوان با سلامتی کامل و انگیزه بالا که می‌تواند ناشی از داشتن یک بدن سالم و مهمتر از آن تناسب اندام مناسب، در توسعه کشور می‌توانند یک رکن اساسی باشند. این امر زمانی نیز تحقق پیدا خواهد کرد که فضای لازم و کافی در اختیار بانوان باشد. فضای لازم برای ورزش بانوان مستلزم زیر ساخت‌های مناسب است. از این رو اگر برای نمیم از جمعیت کشور امکانات و زیر ساخت‌های لازم فراهم شود بدون شک وجود زیر ساخت‌ها نیز اثرات مثبت می‌تواند بر شاخص‌های توسعه داشته باشد، چرا که زیر ساخت‌های مناسب یکی از نمادهای توسعه است. در این رابطه نیز باید بسترهای لازم فراهم شود که قوانینی در جهت کمک به پیشرفت ورزش بانوان تصویب شود. در این رابطه همکاری بخش‌های مختلف جامعه را می‌طلبد تا در زمینه پیشرفت ورزش بانوان گام‌های مثبتی برداشته شود، و قوانین دست و پاگیر را حذف و قوانین حمایتی را تصویب

دیگر، پیشرفت ورزش زنان چیزی شبیه منحنی سینوسی است. طی سال‌های متمادی، سطح فعالیت و عملکرد ورزشی زنان بسیار محدود بوده است. شرکت‌کنندگان نخبه نیز بسیار کم بودند و از لحاظ کیفی هم در سطح پایینی قرار داشتند. اما در طی بیست سال گذشته سرعت پیشرفت ورزش زنان بسیار چشمگیر شده است. بصورتی که ورزش بانوان بعنوان یک عامل توسعه یافته در یک کشور در نظر گرفته می‌شود (اتقیاء و همکاران، ۱۳۹۳). در این رابطه نیز باید اشاره کرد که نتایج بدست آمده با نتایج اتقیاء و همکاران ۱۳۹۳ همخوان بود که از دلایل همخوان بودن می‌توان به این مورد اشاره کرد که یکی از مسئله‌های اصلی پژوهش بحث تبعیض جنسیتی در ورزش بوده است. مابحث مرتبط با تبعیض جنسیتی در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه همواره یکی از دغدغه‌های جامعه بوده که برای رفع آن مواردی زیاد وجود دارد که به عنوان مانع باید به آن نگاه کرد مانند سبک زندگی، قوانین دست و پاگیر، باورهای دینی، و دیگر مواردی که وجود دارد. بحث ورزش نیز در چندسال گذشته در حوزه بانوان بسیار مورد توجه قرار گرفته است و به یکی از ابزارهای قدرت کشورها تبدیل شده و همواره مفسران غربی ورزش بانوان را به عنوان یک پدیده مدرنیته بیان می‌کنند و تبلیغات گستره رسانه ای زیاد در این رابطه وجود دارد. از این رو باید بسترهای فراهم شود که ورزش بانوان به پیشرفت‌های لازم دست پیدا کند و با آزادی عمل بیشتری بتوانند به فعالیت ورزشی بپردازند.

پژوهشگران اجتماعی معتقدند که بانوان بنیان اصلی خانواده را شکل می‌دهند و نادیده گرفتن ورزش از سوی آنان به غیر از چالش‌های جسمی حرکتی و روحی روانی برای این قشر، مشکلاتی برای خانواده و جامعه بوجود می‌آورد. در میان بانوان ورزش می‌تواند اثرات بیشتری بر بانوان آسیب دیده اجتماعی بگذارد زیرا نگاه جامعه به بانوان آسیب دیده اجتماعی نگاه مثبتی نیست و افراد سعی می‌کنند از آنها دوری بگیرند و حتی به اطرافیان خود نیز توصیه می‌کنند که از بانوان آسیب دیده اجتماعی دور باشند و هیچ گونه ارتباطی بین آنها نباشد. با توجه به این مطالب می‌توان گفت که تندرستی بانوان با شاخص سلامتی جامعه در ارتباط هست و می‌تواند میانگین سلامتی و تندرستی جامعه بالا برود از این رو مهم است

واقعی در ورزش زنان رخ داده است. توجه به ورزش جزء لاینفک نهضت زنان به شمار می‌رود و همین امر دورنمای جدیدی را در زمینه تلاش انسان گشوده است. ما می‌توانیم جایگاه فعلی و مشکل احتمالی ورزش زنان را در آینده با نگاهی به الگوی عملکرد ورزشی زنان، درست مانند هر پدیده بیولوژیکی دیگر، تصور کنیم. به عبارت دیگر، پیشرفت ورزش زنان چیزی شبیه منحنی سینوسی است. طی سال‌های متمادی، سطح فعالیت و عملکرد ورزشی زنان بسیار محدود بوده است. شرکت‌کنندگان نخبه نیز بسیار کم بودند و از لحاظ کیفی هم در سطح پایینی قرار داشتند. اما در طی بیست سال گذشته سرعت پیشرفت ورزش زنان بسیار چشمگیر شده است. اما مسأله‌ای که به وضوح مشاهده می‌شود تبعیض جنسیتی و نابرابری فرصت‌های دستیابی به ورزش است. بطوریکه از آغاز (اواخر قرن نوزدهم) تا امروز، جایگاه زنان در ورزش، حتی در وضعیت برابری سایر شرایط، پایین تر از جایگاه مردان بوده است (دوفرانس، ۱۳۸۵).

با توجه به مشکلات مذکور در بخش یافته‌های پژوهش، راهکارهایی نیز تحت عنوان عوامل راهبردی از مصاحبه‌های صورت گرفته بدست آمده است که در ۵ مقوله "شایستگی‌های مدیریتی"، "استعدادیابی و الگوسازی"، "آموزش و توسعه مدیران، مربیان و ورزشکاران"، "بازنگری و به روزرسانی قوانین" و همچنین نقش "نهادهای رسمی و غیر رسمی" به تشریح آن می‌پردازیم:

الف: شایستگی‌های مدیریتی

همانطور که در بخش مشکلات مدیریتی نیز اشاره شد، حضور مدیران غیرورزشی، حضور مردان در مناصب مدیریتی زنان، عدم شایستگی‌های مدیریتی و عملکرد ضعیف برخی مدیران در ورزش بانوان از مهمترین آسیب‌های موجود می‌باشد. موسسه MALI در سال ۱۹۹۱ دسترسی نابرابر دو جنس به پست‌های مدیریتی در سازمان ورزشی را بررسی کرد. در این تحقیق، اشتغال زنان در پست‌های مدیریتی سازمان ورزشی از شاخص‌های توسعه ورزش زنان در نظر گرفته شده بود. شواهد حاکی از غلبه تعداد مردان در پست‌های مدیریتی است. در سازمان‌های ورزشی، حتی در صورتی که تعداد زنان به

نمایند که بانوان به راحتی بتوانند مشارکت‌های فردی و گروهی در بخش ورزش و فعالیت‌های بدنی داشته باشند که در نهایت منجر به بالارفتن سطح سلامت جامعه شود. زمانی تحقق خواهد افتاد که در جامعه فرهنگی سازی لازم انجام گیرد بدون فراهم کردن بسترهای فرهنگی بدون شک موفقیت خاصی کسب نخواهد شد (ناتیونل^۱، ۲۰۱۴). در این رابطه نظریه یادگیری اجتماعی معتقد است که رفتار انسان نتیجه یادگیری است و حمایت اجتماعی افرادی که دیگران مهم هستند باعث تقویت یا ممانعت از انجام رفتار می‌شود، در این بررسی مطابق چهارچوب‌های نظری فوق تأثیر حمایت اجتماعی از فعالیت‌های ورزشی زنان توسط هر دو گروه زنان ورزشکار و غیر ورزشکار مورد تأکید قرار گرفته است. دیگر این که خود ارزیابی افراد از سودمندی‌های مورد نظر می‌تواند در افزایش یا کاهش تمایل فردی مؤثر باشد. از این رو باید گفت عوامل متعدد اجتماعی وجود دارد که در بحث ورزش بانوان بعنوان یک عامل بازدارنده از آنها نامبرد. همچنین به این مورد نیز باید اشاره شود که فضا اساساً مفهومی است که تحت تأثیر سلسله‌مراتب اجتماعی و مفهوم قدرت و سلطه قرار دارد. تفاوت‌ها نظم اجتماعی را تهدید می‌کند و قدرت‌ها تلاش می‌کنند به یکسان‌سازی در میان شهروندان خود دست بزنند. یکی از تفاوت‌ها نیز می‌تواند بحث دیدگاه اجتماعی حاکم بر جامعه باشد، و برای یکسان‌سازی می‌توان تفاوت‌ها را شناسایی شود و در این رابطه می‌توان بر اشتراک گذاری‌ها تأکید کرد و بحث مشارکت‌ها را در نظر گرفت. مشارکت ورزشی یکی از موارد مهم اجتماعی برای بانوان است که از این طریق می‌توانند به جایگاه خود در جامعه برسند و دیدگاه مردسالاری و تبعیض جنسیتی را در بحث ورزش کاهش دهند. در پایان این مطالب ذکر این نکته ضروری است که زمانی انجام می‌گیرد که یک کارگروه توانمند تشکیل شود و برنامه ریزی‌های مناسب در این رابطه صورت گیرد، و راهبردهای حمایتی لازم را تدوین نمایند. برای تدوین راهبردها می‌توانند از نمونه‌های بین المللی موفق الگو بگیرند.

با مطالعه ورزش در دنیا طی بیست سال گذشته، انقلابی

¹ Nationel

گزینی مدیران باشد. این فاصله در مورد معیارهای انتخاب مدیران زن نیز در شرایط موجود و مطلوب وجود دارد؛ که نشاندهنده وجود تبعیض در انتخاب، وجود موانع فرهنگی و جنسیتی بر سر راه انتخاب بانوان می‌باشد، که حاصل آن از بین رفتن پتانسیل‌های قهرمانی، امکانات و منابع، انگیزه‌های مدیران متخصص، کاهش عملکرد و بهره‌وری سازمان و ... می‌باشد.

علاوه بر موارد مذکور موضوع شایستگی‌های مدیریتی با پژوهش‌های تیموریان (۱۳۹۵)، سرمست (۱۳۹۴)، صادقی (۱۳۹۰)، خسروی راد (۱۳۸۹)، صداقت زادگان اصفهانی (۱۳۸۸)، شتاب بوشهری (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

بنابراین بنا بر نظر مصاحبه شونده‌گان و تحلیل اسناد صورت گرفته، از جمله راهکارها در این خصوص شامل موارد زیر می‌باشد:

- داشتن مهارت‌های مدیریتی و عمومی به ویژه در مدیران زن
- توان مذاکره و قدرت ارائه بالا به ویژه در مدیران زن
- لزوم استفاده بیشتر از زنان در جایگاه‌های مدیریتی ورزش بانوان
- لزوم آشنایی مدیران زن با فرهنگ بومی و مسائل فرهنگی

ب: استعدادیابی و الگوسازی

برای بسیاری از ورزشکاران جوان زن، تماشای زنان دیگری که توانایی‌ها و مهارت‌های اجرا در سطوح بالای رقابتی دارند، الهام بخش است. یکی از روش‌های ایجاد انگیزه با تأثیرگذاری طولانی‌تر، استفاده از الگو در آموزش است. مثلاً به جای تماشای مسابقات یک قهرمان، آموزش او را هنگام تمرین نشان دهید. این کار به ورزشکار امکان دید واقع بینانه تری می‌دهد تا دریابد یک قهرمان دقیقاً چه مراحل را پشت سر می‌گذارد. اگر ورزشکار زن آنچه را که جستجو می‌کند، در ورزش بیابد، بی تردید برای ادامه ورزش انگیزه خواهد داشت. یکی از راه‌های نشان دادن موفقیت به او، ارائه الگوهای ورزشی است (ژاکلین، سی‌هارمون، رابرت او، ۱۳۸۸: ۳۱).

با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته، از جمله پیشنهادات مرتبط با موضوع عبارتند از:

مردان فزونی داشته باشد. همچنان بیش تر مدیران را مردان تشکیل می‌دهند. (صداقت زادگان، ۱۳۸۵).

همچنین کشکر و همکارانش (۱۳۹۱) در این زمینه توضیح دادند: "در اختیار داشتن منابع قدرت در جامعه از طرف یکی از دو جنس زن و مرد موجب برتری قدرت او بر جنس مخالف شده و موجب می‌شود تا جنس مخالف تحت سلطه و نفوذ قدرت برتر او در آید. به طوری که اگر در جامعه ای سطح بالای مدیریت در اختیار مردان باشد، زنان تحت سلطه این قدرت برتر قرار خواهند گرفت. ولی اگر دولت با ایجاد تمهیدات و کاربرد رویه‌هایی موجب شود زنان نیز بتوانند در سطوح بالای مدیریت جامعه قرار گیرند، از شدت اعمال یکطرفه قدرت بر جنس ضعیف کاسته می‌شود. در حال حاضر در جامعه ما با اینکه اخیراً شاهد حضور بانوان در سطوح بالای مدیریت کشور هستیم، ولی همچنان تعداد مردان در این سطح بیشتر از زنان است..."

نتایج تحقیق زاهدی (۱۳۸۰) با عنوان "ارتقاء مشارکت زنان در سطوح مدیریتی" نشان می‌دهد که مشخصات فردی زنان از نظر سن، تحصیلات، تأهل، تجارب و غیره را نمی‌توان مانع ارتقاء آنان به سطوح مدیریتی تلقی کرد، زیرا مدیران مرد با ویژگی‌های مشابه و در موارد زیادی نیز با وضعیتی ضعیف تر توانسته اند به سطوح مدیریتی ارتقاء یابند. یافته‌های تحقیق همچنین حاکی از آن است که در اکثر موارد زنان علاقمند به احراز مشاغل مدیریتی بوده اند، لکن پست مدیریتی به آنان پیشنهاد نشده است. تسلط بینش مردسالارانه در فرهنگ سازمانی و عدم حمایت مدیران مافوق از دیگر علل عدم ارتقاء زنان به سطوح مدیریتی می‌باشد. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که در اکثر موارد (حدود هفتاد درصد) زنان به احراز مشاغل مدیریتی علاقمند بوده اند، لکن پیشنهادی در این زمینه دریافت نکرده اند.

خسروی راد (۱۳۸۹) در پژوهشی با هدف "بررسی شرایط احراز پست‌های مدیریت مراکز ورزشی دانشگاه‌ها" به این نتیجه رسید که در شرایط موجود نسبت به رعایت معیارهای انتخاب مدیران توجه بسیار کمی صورت می‌گیرد و نتیجه آن وجود فاصله بین شرایط موجود و مطلوب از لحاظ اهمیت به این معیارها می‌باشد که شاید نقطه ضعف ورزش دانشگاهی ما عدم اهمیت به شایسته

قاعده مستثنی نیستند. متولیان امر می‌بایست به این نکته توجه کنند که داشتن ورزشکاران حرفه‌ای منوط به داشتن مربیان حرفه‌ای است. بنابراین آموزش‌های بین‌المللی تحت نظارت بهترین اساتید جهانی، بهره‌مندی از مربیان مرد جهت انتقال آموخته‌های خود به مربیان زن امری ضروری است. همچنین ارائه آموزش‌های عمومی مدیریتی و تخصصی ویژه مدیران زن سازمان‌های ورزشی نیز بسیار حائز اهمیت است.

د: بازنگری و به روز رسانی قوانین

در بسیاری از مصاحبه‌ها به این امر پرداخته شده که نبود قانون یا مرجع تصمیم‌گیری در برخی چالش‌های ورزش زنان، باعث ناتوانی در تصمیم‌گیری ویا اخذ تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای توسط مدیران امر شده است. این امر نه تنها در سطح ملی که در سطح جهانی نیز نیاز به مذاکره و تعامل دارد. محدودیت‌های مربوط به پوشش اسلامی در برخی از مسابقات جهانی، عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها، محدودیت‌های موجود در تعامل ورزشکاران و مربیان مرد و زن از جمله چالش‌های این مقوله بوده است. از جمله راهکارهای مربوط به این مقوله عبارتند از؛

- لزوم نظارت بر حسن اجرای برخی قوانین نسبت به امور ورزش بانوان به منظور جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای مدیران
- لزوم بازنگری شرح شغل‌ها و شرایط احراز مدیران
- برگزاری مسابقات بین‌المللی کشورهای مسلمان در کشور
- تعامل بیشتر ورزشکاران زن با مرد
- حضور زنان در ورزشگاه‌ها
- لزوم بازنگری و اصلاح برخی قوانین ورزشی (همچون میزان قدرت قانونی اذن شوهر در حضور همسر در مسابقات خارج از کشور و...)

ه: نقش نهادهای رسمی و غیر رسمی

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، حمایت کلیه نهادهای رسمی و غیر رسمی بر تقویت و توسعه ورزش زنان بسیار تأثیرگذار است. گزارش‌ها حاکی از آن است که در بسیاری از کشورها مشارکت زنان در ورزش‌های

- لزوم انجام استعدادیابی در سنین پایین به ویژه در ورزش بانوان
- برگزاری جشنواره‌های ورزشی متنوع و مستمر به منظور استعدادیابی ورزش بانوان
- همکاری مستمر و مشخص نهادهای مختلف در استعدادیابی ورزش بانوان
- تعامل با زنان موفق ورزشکار ایرانی و پیشکسوتان و بهره‌مندی از تجارب ایشان
- لزوم برگزاری جشنواره‌های متنوع ورزشی با حضور خانواده‌ها
- لزوم ایجاد الگوهای بومی و ارزشی در ورزش بانوان

بطوریکه نتایج پژوهش‌های خالدی فر (۱۳۹۷)، صادقی (۱۳۹۰)، طارمی (۱۳۸۸) بر اهمیت استعدادیابی و وجود برنامه‌های مدون و استراتژیک در این خصوص تأکید کردند.

ج: آموزش و توسعه مربیان، مدیران و ورزشکاران

اهمیت ارائه آموزش‌های عمومی و تخصصی برای مخاطبین زن بر هیچکس پوشیده نیست. یکی از شیوه‌های مشترک آموزش و استعدادیابی ورزشکاران بهره‌مندی از معلمین ورزشی حرفه‌ای در مدارس است. در حال حاضر در برخی از کشورها برنامه‌های ورزش مدارس با مشکل دو عنصر ضروری مدارس یعنی دانش‌آموزان و پول مواجه شده است. کاهش ثبت نام دانش‌آموزان و در پی آن کاهش منابع مالی و پرداخت‌های مالیاتی باعث شد که مدارس با کمبود بودجه رو به رو و در نتیجه بسیاری از شغل‌های موجود در مدارس از جمله شغل معلم ورزش، برای زنان حذف شود. در نتیجه، آخرین کسانی که استخدام شده بودند، اولین کسانی بودند که اخراج شدند و به جای آن مربیان نیمه وقت یا اجاره‌ای برای هدایت برنامه‌های مسابقات استخدام شدند و معلمان ورزش مرد نیز برای تدریس در کلاس‌های مختلط به کار گمارده شدند. (ژاکلین. پل، سی، براون، اووی، ۱۳۸۸: ۱۸).

این مسأله که تمامی ورزشکاران بالاخص زنان نیاز به آموزش‌های مدون و مشخص دارند، امری بدیهی است. علاوه بر این تنها ورزشکاران نیستند که نیاز به آموزش‌های تخصصی با بهره‌مندی از بهترین مربیان دارند، بلکه مربیان ورزشی و حتی مدیران زن نیز از این

حالی که بانوان دلایلی در خصوص موقعیت اجتماعی و نقش‌هایشان در اجتماع دارند (ملنیک و جکسون^۵، ۱۹۹۸).

مرادعلی (۱۳۸۴) در تحلیل محتوای اخبار ورزشی بخش خبری ساعت ۲۱ شبکه اول، به این نتیجه رسید که تنها ۵ درصد اخبار پخش شده در این شبکه در زمینه ورزش بانوان است. این نتایج در پژوهش‌های علیرضایی (۱۳۸۳)؛ کردی (۱۳۸۳)؛ رهنما (۱۳۸۲)؛ بارفروش (۱۳۸۱) و ناظمی (۱۳۷۹) نیز در خصوص رسانه‌های مکتوب و تصویری به دست آمده است. رهنما (۱۳۸۲) با تحلیل محتوای اخبار ورزشی سیما دریافت که در حدود نیمی از خبرهای پخش شده مربوط به ورزش فوتبال است و کم توجهی به اخبار ورزشی بانوان به نحوی بارز مشاهده می‌شود. کم توجهی به اخبار ورزشی بانوان در بررسی‌های پلایمیر نیز تأیید شد، اما تجاری و همکاران میزان کم اخبار ورزشی بانوان در مطبوعات ورزشی را بر اساس میزان فعالیت آن‌ها نسبت به مردان دانستند. در حال حاضر، لازم است که نقش رسانه‌ها بار دیگر مورد تحلیل قرار گیرد، زیرا به دلیل گسترش رشته‌های ورزشی و حضور هر چه بیشتر زنان در میدان‌های داخلی و بین‌المللی ورزشی، رسانه، به عنوان وسیله‌ای ارتباط جمعی باید به هر حوزه که وارد می‌شود، سعی کند تمام جنبه‌های این پدیده را نیز برای بینندگان پوشش دهد.

بطور کلی از جمله رهکارهای مرتبط با این مقوله که با نتایج پژوهش‌های خالدی فر (۱۳۹۷)، جهانشاهلو (۱۳۹۶)، موسوی (۱۳۹۶)، تیموریان (۱۳۹۵)، گلنبدی (۱۳۹۴)، سرمست (۱۳۹۴)، یوسفی (۱۳۹۴)، مهدویان (۱۳۹۲)، نجف زاده و همکاران (۱۳۹۱)، قاسمی (۱۳۹۰)، خواجه افضلی (۱۳۸۷)، کوکی^۶ و همکارانش (۲۰۱۵)، پکر^۷ و همکارانش (۲۰۱۵)، بایسی^۸ و همکارانش (۲۰۱۳)، مارتین^۹ و همکارانش (۲۰۱۲) همسو می‌باشد، عبارت است از:

قهرمانی کمتر از مردان است. اما مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی مورد علاقه باید از طرف سازمان‌های اجتماعی مورد پذیرش و حمایت قرار گیرد. غالباً آن دسته از جوانانی که ورزش قهرمانی می‌کنند، چنانچه توسط عوامل خارجی کنترل شده مورد کمک و حمایت قرار گیرند، به موفقیت‌های زیادی دست می‌یابند. مشارکت ورزشی افراد بستگی به فراهم کردن موقعیت‌ها و فرصت‌هایی دارد که در اختیار دارند. بنابراین ارتباط نهادها و سازمان‌های رسمی و غیر رسمی در حمایت از ورزشکاران بر میزان مشارکت ورزشی در جامعه تأثیر خواهد داشت (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۳۸). بطوریکه یوسفی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان "طراحی برنامه راهبردی ورزش بانوان استان کرمانشاه با نگاهی به برنامه ششم توسعه"، بزرگترین ضعف را مربوط به عدم توانایی جذب حامیان مالی مناسب برای ورزش قهرمانی و تیم‌های لیگ بانوان دانستند.

از جمله نهادهای رسمی و غیر رسمی مؤثر بر ورزش بانوان، رسانه‌ها و میزان پوشش خبری از ورزش بانوان می‌باشد. پوشش رسانه‌ای زنان در عرصه ورزش در علاقه‌مندی زنان به ورزش و حضور آنان در میدان‌های ورزشی از اهمیت بسیاری برخوردار است. رسانه، نفوذی قوی و قابل توجه بر جامعه‌پذیری زنان و دختران از طریق ورزش دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که رسانه در پوشش ورزشکاران مرد، به نحوی قابل توجه، پافشاری می‌کند. چنانکه در سال ۱۹۹۴ مردان ۹۳٫۸ درصد پوشش تلویزیونی را در امریکا به دست آورده‌اند (دانکن^۱، مسنر^۲ و ویلمز^۳ ۲۰۰۵). مک‌گریگور^۴ (۲۰۰۶) خاطر نشان کرد، مهم‌ترین چیزی که بانوان از رسانه می‌خواهند، حضور در آن است؛ به عبارت دیگر، آن‌ها نمی‌خواهند فقط هدف تمایلات جنسی، برای ازدواج کردن و مادر بودن باشند، بلکه می‌خواهند پیچیدگی و گوناگونی آن‌ها تشخیص داده شوند. به طور کلی، روشن است که رسانه‌های ورزشی «به طور اساسی جهان متمایل به مردان» را ارائه می‌کنند، در

⁵ Melnick, MJ & Jackson

⁶ Coocky

⁷ Packer

⁸ Buysse

⁹ Martin

¹ Duncan

² Messner

³ Willms

⁴ McGregor

۷. محمدی، عبدالعلی (۱۳۹۶)، بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز جامعه‌شناسی کاربردی ۲۰ (۳۳).
۸. علیپور، خاطره (۱۳۹۴)، تبعیض جنسیتی در مسابقات المپیک از دیدگاه حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
۹. موتمنی، علیرضا، همتی، امین، مرادی، هادی. (۱۳۹۳). شناسایی و الویت بندی موانع پیش روی بانوان در انجام فعالیت‌های ورزشی. مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۴، صص: ۱۱۱-۱۳۰.
- لزوم تولید برنامه‌های مستمر ورزشی به منظور پرداختن به فعالیت‌های ورزش بانوان
- لزوم انجام تبلیغات گسترده از ورزش‌های بانوان به منظور مشارکت بیشتر تماشاگران
- نقش سازمان‌های تأمین اجتماعی و امور مالیاتی در اجرای بندهای تشویقی به منظور حضور و دلگرمی بیشتر اسپانسرها در ورزش بانوان
- لزوم وجود فضایی امن و اخلاقی در باشگاه‌های ورزشی کشور به ویژه در ورزش بانوان

منابع

۱. وند، علی، ملکی، امیر، پارسامهر، مهربان، قاسمی، حمید. (۱۳۹۷). تبیین جامعه شناختی مشارکت ورزشی زنان با تاکید بر هنجارهای جنسیتی. فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ دانشگاه ایلام. شماره دو. ##
۲. امینی، امیر مظفر، یوسفی، علی، سرائی، سودابه، فتاحی، فروغ. (۱۳۹۶). جایگاه ورزش در زندگی بانوان شهرستان اصفهان و عوامل بازدارند آن. دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۲۷-۴۶. ##
۳. رحمتی، فاطمه و مرجان، مهرانه و صالحی، نسرین. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر ورزش در تندرستی و سلامت فردی و اجتماعی بانوان، خانواده و جامعه، همایش ملی نقش زنان در توسعه پایدار، اهر.
۴. کرمانی، مهدی، اصغریور ماسوله، احمدرضا، خلق ذکراآباد، فاطمه. (۱۳۹۹). ورزش، زیبایی و سلامت: تحلیل کیفی تجربه زنان از مراجعه به باشگاه ورزشی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۸(۱۸)، ۶۳-۹۰.
۵. مقدس، علی اصغر، لهسایی زاده، عبدالعلی، تقوی نسب، سید مجتبی. (۱۳۹۹). بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی. جامعه شناسی کاربردی، ۲۰(۱)، ۴۵-۷۰.
۶. آجورلو، فاطمه، قدیمی، بهرام، محمد کاظمی، رضا، آزادفدا، شیوا. (۱۴۰۰). طراحی مدل جایگاه ورزش بانوان در بهبود شاخص‌های توسعه یافتگی در ایران. سامانه فصلنامه مرکز مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان، ۲۰(۵۳)، ۱۵۹-۱۷۴.
۱۰. علم، شهرام. (۱۳۹۱). تعیین عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران. نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۳، شماره ۱۰.
۱۱. اکبری، بهرام، عسکریان، فریبا، جعفری، سلمان، و اکبری، نسیم. (۱۳۹۴). تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی بر میزان مشارکت ورزشی خانوارهای شهرستان مراغه. مدیریت و توسعه ورزش، سال ششم، شماره ۱، صص: ۱۱۷-۱۰۵.
۱۲. امیری مقدم، مرجان، قدیمی، بهرام، و کبیری، افشار. (۱۳۹۶). ارائه یک مدل شبکه عصبی فازی، جهت پیش بینی سلامت عمومی زنان و دختران از طریق رابطه مؤلفه‌های تأثیرگذار انگیزه مشارکت ورزشی و فرهنگ بدن. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۲۵۱-۲۳۳.
۱۳. رنجبر، محسن، خستو، زهرا، و طوسی، پیرو. (۱۳۹۲). ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های ورزشی و مدیریت پیامدها (مطالعه موردی ورزشگاه شهید کاظمی). فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۳، صص: ۶۸-۵۷.
۱۴. ظهیری نیا، مصطفی، نیکخواه، هدایت الله، و شفیع، نسیمه. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر خانواده و رسانه‌های گروهی بر مشارکت دانشجویان دختر در فعالیت‌های ورزشی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه هرمزگان). مشارکت و توسعه اجتماعی، سال اول، شماره ۱، صص: ۶۱-۴۱.
۱۵. نقوی، محبوبه، آرمندینیا، مهدی، نیک بین، برانوش. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ

- Magazines. *Journal sex Roles*. Springer Netherlands, Volume 53, Numbers 1-2/July
27. Michel, K. (2016). Islam's view on physical activity and sport. *The Norwegian University of Sport and physical Education, International Review for the sociology of Sport*, Vol. 38. No. 1, PP: 45-60.
 28. Palm, J. (2010). Sport for all and its projection to the year. <http://www.Tafisa.Net/content/index.php? Option=content task=view & id=5. ##>
 29. Gómez, L. F., Mateus, J. C., & Cabrera, G. (2018). Leisure-time physical activity among women in a neighbourhood in Bogotá, Colombia: prevalence and socio-demographic correlates. *Cadernos de Saúde Pública*, 20(4), 1103-1109.
 30. Kim, G. S., Won, J. C., Chung, Y. L., Lucy, N.M., & Mi, J., & Kim. (2019). The relationship of work stress and family stress to the self-rated health women employed in the industrial sector in Korea. *Public Health Nursing*, 22(5); PP: 389-397.
 31. Vezzali, L., Visintin, E. P., Bisagno, E., Bröker, L., Cadamuro, A., Crapolicchio, E., ... & Harwood, J. (2023). Using sport media exposure to promote gender equality: Counter-stereotypical gender perceptions and the 2019 FFA Women's World Cup. *Gropp Processes & Intergroup Relations*, 26(2), 265-283. ##
 32. Bekker, S., Storr, R., Patel, S., & Mitra, P. (2023). Gender inclusive sport: a paradigm shift for research, policy, and practice. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 1-9.
 33. Pavlidis, A., Fullaga, S., & OBBie, W. (2033). Gender Equality and Economic Entanglements in Male-Dominated Sport Organizations: The Disruptive Value of Australian Rules Football Women. *Sociology of Sport Journal*, 1(aop), 1-10.
 34. Parker-Jenkins, M. (2018). Problematising ethnography and case study: reflections on using ethnographic techniques and researcher positioning. *Ethnography and Education*, 13(1), 18-33.
 35. Samy, M., & Robertson, F. (2017). From positivism to social constructivism: an emerging trend for CSR researchers. *Handbook of Research Methods in Corporate Social Responsibility*
 36. Lichterman, P. (2017). Interpretive reflexivity in ethnography. *Ethnography*, 18(1), 35-45.
 37. Davison, C., Frankel, S., & Smith, G. D. (2018). To eell with tomorrow': coroaary ceatt disease risk and the ethnography of fatalism. In *Private risks and public dangers* (pp. 95- 111). Routledge
 - عمومی اماکن ورزشی استان تهران (با رویکرد حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*, ۲۲(۶۰)، ۲۶۹-۲۸۸.
 ۱۶. قاسمیان، فرحناز، غفوری، فرزاد، هنری، حبیب، ذکایی، محمدسعید. (۱۴۰۱). طراحی مدل توسعه ورزش تفریحی برمبنای فرهنگ قومی با رویکرد نظریه مبنایی. *مطالعات مدیریت ورزشی*. ۱۴(۷۴)، ۱۲۷-۱۶۲.
 ۱۷. اسدی، عباس، خوشنام، ابراهیم، افروزه، محمد صادق، محمدزاده، یونس، دست بر حق، حسین. (۱۴۰۱). ارائه مدل بهبود هویت قومی از طریق ورزش حرفه‌ای ایران. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۱۰(۲۷)، ۱۰۵-۱۳۰.
 18. Kobayashi, K., & Cho, Y. (2019). Asian sport celebrity: the nexus of race, ethnicity, and regionality. *The International Journal of the History of Sport*, 36(7-8), 611-625. ##
 19. Morton, S. (2018). Using qualitative methodology to better understand why females experience barriers to regular participation in adventure sport in Scotland. *Sport in Society*, 1-16.
 20. Alex, M., & Downward, P. (2017). Investigating the importance of factors preventing women from participating in recreational sports with respect to individual characteristics. *Applied Economics*, 49(4), 335-348.
 21. Packer, C, Geh, D.J., Goulden, O.W., Jordan, A.M. (2019). Investigating the effect of education on health literacy and its relation to health-promoting behaviors in health center. *Journal of education and health promotion*, 7.
 22. Downward, P., Dawson, P., & Mills, T. C. (2016). Sports participation as an investment in (subjective) health: A time series analysis of the life course. *Journal of public health*, 38(4), e504-e510.
 23. Buysse, J.A. & Wolter, S. (2019). Gender representation in 2010 NCAA division I media guide: the battle for equity was only temporarily won. *Journal of Issues in Intercollegiate Athletics*, 6, 1-21.
 24. Ramsa, G and W.Hofman. (2020). An application of nonparametric data in recreation research testing their opportunity theory. *Journal of leisure. Research* 12; PP: 321-328.
 25. Barnet F, Spinks W.L. (2007). Exercise self-efficacy of postmenopausal women resident in the tropics. *J maturitas*; 52.
 26. Hardin. M. Lynn. S & Walsdorf. K. (2018). *Images of women in four women's sport/fitness*